

تمثیل در سبک هندی

چکیده

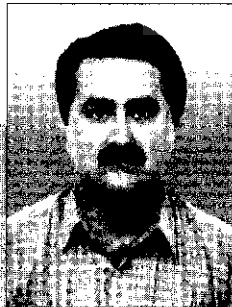
یکی از مختصات برجسته‌ای که در سبک هندی بازتاب گسترده‌ای دارد، «تمثیل» است که با نازک‌خیالی و باریک‌اندیشی موجب خلق مضامین تازه‌ای شده است. این مقاله سعی دارد تا با ارائه‌ی نظرات اهل فن، تصاویر شفاف و عمیق‌تری از آن عرضه کند و کنجکاوای خوانندگان محترم را برانگیزاند.

کلیدواژه‌ها

تمثیل، اسلوب معادله، استدلال تمثیلی، استدلال فیاسی، تشبیه تمثیل، نخ تمثیل.

مفسرین اعلا (۱۳۱۴-۱۳۱۳-۱۳۱۲)

کارشناس زبان و ادبیات فارسی



و هم چنین به گفته‌ی دکتر قهرمان، در تمثیل، شاعر در یک مصراع ادعایی می‌کند و در مصراع دیگر با آوردن مثالی قابل قبول حرف خود را به کرسی می‌نشاند و بیش‌تر مصراع دوم است که ثابت‌کننده‌ی دعوی است (برگزیده‌ی اشعار صائب):

آدمی پیر چو شد، حرص جوان می‌گردد
خواب در وقت سحرگاه گران می‌گردد

(دیوان صائب، ص ۸۶۷)

گاه مصراع اول عهده‌دار این نقش

است:

زود در گل می‌نشیند کشتی سنگین رکاب
چار پهلوی کتی تن را ز آب و نان چرا؟

(همان منبع، ص ۲۱)

ضمناً باید افزود که تمثیل، نوعی ذکر مثال و مورد مشابه برای مطلبی است که قصد اثبات یا توجیه یا تقریر آن را داریم:

در نگیرد صحبت پیر و جوان با یک‌دگر
با کمان، یکدم مدارا تیر نتوانست کرد

(منبع پیشین، ص ۷۲۵)

تمثیل در واقع برقراری و تثبیت یک فکر به واسطه‌ی عینیت بخشیدن به آن است.

البته این خود مبتنی بر نوعی تشبیه است که بیش‌تر جنبه‌ی برهان و استدلال شاعرانه دارد. ولی در تشبیه محض و خالص هیچ‌گونه هدف استدلالی در میان نیست.

در تمثیلی که ما از آن سخن می‌گوییم یک اندیشه به تصویر کشیده می‌شود، دقیقاً مانند حکایات مثنوی مولوی، اما به جای این که در قالب تمثیلی گسترده شکل گیرد، آن را در یک مصراع یا بیت (تمثیل فشرده) به

تمثیل به این معنی است که در هر بیت، یکی از دو مصراع، و معمولاً مصراع دوم، دلیلی تجربی و گاه شاعرانه برای مصراع اول است. توضیحاً این که شاعر در مصراع اول مفهومی را بیان می‌کند و در مصراع دوم با تمثیل و تصویری به مناسبت، آن مفهوم را عینیت می‌بخشد:

با دوستان مجادله، با خویش دشمنی است
هر کس کشتد در آینه خنجر، به خود کشتد

(ادبیات امروز ایران، ص ۳۸۰)

می‌بینیم که شاعر خود را ملزم کرده است که در تأیید و تأکید مفهوم ذهنی مصراع اول، مصراع عینی دوم را دقیقاً در برابر آن قرار دهد.

یعنی با قرار دادن آینه در مقابل دوست، چنین می‌گوید که دوست هم چون آینه صاف و پاک است، بنابراین آن کس که در آینه خنجر می‌کشد و به اصطلاح با دوست مجادله می‌کند در حقیقت خنجر به خود می‌کشد.

ریشه‌ی نخل کهن سال از جوان افزون ترست
بیش‌تر دل بستگی باشد به عالم پیر را

(دیوان صائب، ص ۵۲)

دکتر شفیع کدکنی معتقدند که در شعر شاعران قرن دهم به بعد، مخصوصاً شعر شعرای سبک هندی، دو مصراع یک بیت و گاه یک بیت با بیت بعد مانند دو طرف یک معادله (اسلوب معادله) عمل می‌کنند؛ به طوری که مصراع اول از حیث معنی با مصراع دوم برابر است (صور خیال):

روشن دلان خوش آمد شاهان نگفته‌اند

آینه عیب پوش سکندر نمی‌شود

(کلیم، صائب و سبک هندی، ص ۱۲۸)

نمایش می‌گذارند.
سبک مغزان به شور آیند از هر حرف بی مغزی
به فریاد آورد اندک نسیمی نیستانی را

(منبع پیشین، ص ۱۰۲)

«تمثیل در اصطلاح منطقی، استدلال از حکم جزئی به حکم جزئی دیگر است، زیرا در استدلال منطقی مشابهت پایه‌ی استدلال تمثیلی است. نتیجه‌ی استدلال‌های تمثیلی قطعی نیست بلکه احتمالی است و بالعکس نتیجه‌ی استدلال قیاسی قطعی و الزامی است. تمثیل یا قیاس (همانندسنجی) در ادبیات، همانندی دو تصدیق را نشان می‌دهد، در حالی که از کلی به جزئی حکم می‌کند و همیشه کلیت با مشبه به همراه است» (ثروتیان، بیان در شعر فارسی)

همیشه داغ دل دردمند من تازه‌ست
که شب خموش نگردهد چراغ بیماران

«صائب»

دکتر خانلری برای تمثیل سه وجه قائل است:

الف) اثبات دعوی

سهل مشمر همت پیران باتدبیر را
کز کمان، بال و پر پرواز باشد تیر را

ب) بیان علت

عالمی را کشت و دست و تیغ او رنگین نشد
تیزی شمشیر، پاک از خون کند شمشیر را

ج) بیان شباهت

ریشه‌ی نخل کهن سال از جوان افزون ترست
بیش تر دل بستگی باشد به دنیا پیر را

(شرح زندگانی...، ص ۲۱۰)

همان گونه که پیش از این گفتیم تمثیل در بحث بیانی نوعی تشبیه است که به آن «تشبیه تمثیل» می‌گویند. اگرچه بین «تشبیه تمثیل» و «تشبیه مرکب» تشابهاتی از لحاظ مرکب بودن وجه شبه و مشبه به آن‌ها وجود

دارد، نباید آن‌ها را در همه حال یکی فرض کرد. چون به هر تشبیه مرکبی تشبیه تمثیل نمی‌توان گفت و در واقع بین آن‌ها نسبت عموم و خصوص است؛ یعنی هر تشبیه تمثیلی مرکب هست اما هر تشبیه مرکبی، تمثیل نیست.

دکتر شمیسا در مورد تشبیه تمثیل در کتاب بیان خود می‌گوید: «تشبیهی است که مشبه به آن جنبه‌ی مثل داشته باشد. در این تشبیه مشبه امری معقول و مرکب است که برای تقریر و اثبات (توضیح و تبیین) آن مشبه بهی مرکب و محسوس ذکر می‌شود» به دو بیت زیر دقت کنید:

تشبیه مرکب

سر از البرز برزد قرص خورشید
چو خون آلوده دزدی سر ز مکمن

(برگزیده‌ی اشعار منوچهری دامغانی، ص ۱۸)

تمثیل

ساحل ز جوش سینه‌ی دریاست بی‌خبر
با زاهدان خشک مکن گفت و گوی دل

(دیوان صائب، ص ۱۰۷۲)

با دقت در مثال‌های فوق، متوجه می‌شویم که در تشبیه تمثیل بر خلاف تشبیه مرکب، قرینه‌سازی رعایت نمی‌شود و وجه شبه را از مجموع اجزای مشبه به، به صورت کلی درمی‌یابیم.

«تشبیه تمثیل» از پرکارترین نوع تمثیل در میان شاعران سبک هندی است و به شکل‌های متعددی، با توجه به نوع ساخت و طرز استفاده از آن، در شعر آشکار می‌شود. گفتنی است که اسلوب معادله نوع خاصی از این تمثیل است. دکتر شفیع کدکنی جهت تمایز آن از سایر انواع تمثیل این اصطلاح را ساخته‌اند. به عقیده‌ی ایشان «اسلوب معادله یک ساختار مخصوص نحوی است و تمام مواردی که

به عنوان تمثیل آورده می‌شود، مصداق اسلوب معادله نیست» (صور خیال). ولی هر اسلوب معادله‌ای می‌تواند تمثیل باشد. سعدی از سرزنش خلق نترسد هیئات
غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را

(شاعر آینه‌ها، ص ۶۴)

«باید توجه داشت که وجود العاطفی مانند این، آن، چون، که، کاش و نظایر آن‌ها به شرط آن که استقلال نحوی دو مصراع را بر هم نزنند، تعریف اسلوب معادله را خدشه‌دار نمی‌کنند و آن را از اعتبار نمی‌اندازند.» (قهرمان، برگزیده‌ی اشعار صائب)

از جوانی نیست غیر از آه حسرت در دلم
نقش پایی چند از آن طاووس زرین بال مانند

(دیوان صائب، ص ۲۷۵)

شاعر سبک هندی غالباً بین دو امر

تقابل یا معادله‌ای برقرار می‌کند. این تقابل گاه بدون ارتباط نحوی میان دو مصراع

است و گاه این ارتباط نحوی وجود دارد. در نوع اول مصراع‌ها

نحوی و دستوری مستقل از یکدیگر

این معنی که یکی از مصراع‌های مستقل

مطلبی معقول و نامحسوس را بیان می‌کند

و مصراع مستقل دیگر با استفاده از لف و

نشر و تناظر و تشبیه برای آن مطلب، دلیل

یا توضیحی می‌آورد به گونه‌ای که حسی و

تصویری است. هر یک از این مصراع‌ها در

حقیقت جمله‌ی مستقلی هستند و پیوندی

پنهانی بین آن‌ها حکم فرماست. به عبارتی دیگر تشبیه ضمنی و پنهانی روابط آن‌ها را

تعیین و تبیین می‌کند.

نیست جز دندان شکستن چاره‌ای کج بحث را
از دم عقرب گره نتوان گشود الا به سنگ

(بیگانه مثل معنی، ص ۱۵۸)

موی سفید غفلت ما را زیاده کرد
این تازیانه شد رگ خواب سمنند ما

(دیوان صائب، ص ۱۲۵)

تمثیل و تشبیه به دلیل روابطی که میان دو مصراع شعر هندی وجود دارد، و ساخت (surface structure) و زیرساختی (deep structure) باید در نظر گرفت و سپس به این نتیجه رسید که تشبیه ژرف ساخت هر تمثیلی است.

عشق مستغنی ست از تدبیر عقل حيله گر
شیرکی سازد عصای خود دم رویاه را
(یکانه مثل معنی، ص ۱۴۶)

تا این جا گفتیم که شاعر در مصراع نخست مطلب نامحسوس (معقول) را می آورد و سپس در مصراع دوم همان بیت (محسوسات) معادل سازی می کند و یا موضوع مورد نظر خود را اثبات یا توجیه می کند. اما گاهی بالعکس عمل می کند؛ یعنی جای مصراع اول و دوم را تغییر می دهد. آن طور که مصراع نخست (پیام شاعر) در مصراع دوم و معادل آن (مصراع دوم یا تمثیل) جای مصراع اول قرار می گیرد. ولی ارتباط معنایی همان است که گفتیم.

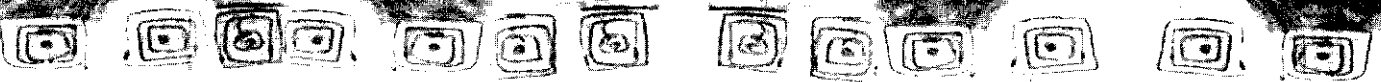
کام محیط را نکند تلخ، آب شور
تأثیر نیست در دل عشاق، پند را

(گزیده اشعار، ص ۳۶)

این نکته را نباید نادیده گرفت که ساختار تشبیهاتی که منجر به تمثیل می شوند ویژگی هایی منحصر به خود دارند. بعضی از آن ها عبارت اند از:

- ۱- از ادات تشبیه استفاده نمی شود.
 - ۲- چند تشبیه در کنار هم قرار می گیرند، به این صورت که مشبه ها در مصراع مدعا و مشبه به ها در مصراع تمثیل آورده می شوند.
 - ۳- وجه شبه ها هم حذف می شوند.
- ارتباط اجزای تمثیل در اشعار سبک هندی خصوصاً در شعر صائب معمولاً دوجزئی است. یعنی دو جزء در مصراع اول با دو جزء در مصراع دوم با یکدیگر

توضیحاً این که ساختار بیت هندی در مصراع معقول شعرگونه است و شاعر در مصراع دیگر به کمک تمثیل یا رابطه ی لف و نشری متناظر و یا تشبیه مرکب آن را محسوس می کند که به قول شاعران سبک هندی به مصراع شعاری «پیش مصرع» و به مصراع شاعرانه و مبتکرانه «مصراع برجسته» گفته می شود. اندیشه و پیام شاعر در پیش مصرع و تمثیل در مصراع برجسته تجلی می یابد. بدون هیچ شک و تردیدی بین



شعر صائب به صورت‌ها و شکل‌های متعدد خود را نشان می‌دهد:

الف) شاعر در مصراع اول ادعا می‌کند و در مصراع دوم برای اثبات مدعای خود تمثیلی می‌آورد.

عیب پاکان زود بر مردم هویدا می‌شود در میان شیر خالص، موی رسوا می‌شود

(دیوان شعر صائب، ص ۸۳۳)

ب) شاعر در مصراع برجسته (مصراع اول) تمثیل را می‌آورد و در مصراع دوم ادعای خود را:

کام محیط را نکند تلخ، آب شور
تأثیر نیست در دل عشاق، پند را

(گزیده اشعار، ص ۳۶)

ج) تمثیل و ادعای شاعر (اندیشه و پیام شاعر) درهم می‌آمیزند و باید با کوشش فراوان آن‌ها را از هم تفکیک کرد.

گفتیم که اشعار سبک هندی بر مبنای استدلال و ارائه دلیل است. یعنی شاعر در فضای ادبی شعرش برای ادعای خود استدلالی می‌آورد که اگر این استدلال را از دید واقعی بنگریم، مردود است.

دزد را دنبال رفتن، جان به غارت دادن است
دل، عیب دنبال آن خال سیاه افتاده است

(بیگانه مثل معنی، ص ۱۵۲)

اگرچه در پی دزد رفتن ممکن است خطرات زیادی داشته باشد، اما در صورت دستگیری او فواید آن شامل ما می‌شود.

دکتر محمدی در کتاب «بیگانه مثل معنی» به نکته‌ی مهمی درباره‌ی تمثیل، به ویژه تمثیل صائب، اشاره می‌کند و آن را «نخ تمثیل» می‌نامد.

همان‌گونه که پیش از این گفتیم، بیتی که حاوی تمثیل است، یکی از مصراع‌های آن حرف و شعار شاعر است و مصراع دیگری تمثیلی برای اثبات مدعا است. در این صورت کلمه‌ای در مصراع مدعا وجود دارد که با یکی از کلمات مصراع تمثیلی

حالتی در تمثیل است به گونه‌ای که تمثیل ضد مدعا است اما باز هم آن را تأیید می‌کند. توضیح این که در تمثیل عموماً استدلال به شکل مثبت صورت می‌گیرد.

نیست جز دندان شکستن، چاره‌ای کج بحث را
از دم عقرب، گره نتوان گشود الا به سنگ

(بیگانه مثل معنی، ص ۱۴۸)

در این بیت دو طرف جمله‌ها مثبت است و از یک روند منطقی تبعیت می‌کند. گره دم عقرب با سنگ باز می‌شود. با فرد

مرتبط می‌شوند و معادله‌ی شعری را برقرار می‌کنند.

بیداد فلک ← دشمن / تغافل ←

پوشیدن چشم

بیداد فلک را به تغافل گذرانندیم

پوشیدن چشم است ز دشمن، سپر ما

(بیگانه مثل معنی، ص ۱۴۶)

گاهی هم ارتباط بین اجزا و پاره‌های دو مصراع سه جزئی است. در این نوع ارتباطات مهم‌ترین نکته این است که جزء سوم بیش تر فعل است. یعنی یک فعل در



کج بحث هم که رسم جدل را نمی‌داند باید خشن و درشت برخورد کرد. ولی در بعضی از تمثیل‌ها این طور نیست؛ یعنی حالتی است که تمثیل ضد مدعا است و شاعر از راه تضاد تمثیل با مدعا، آن را اثبات می‌کند.

چون زندگی به کام بود، مرگ مشکل است
پروای یاد نیست چراغ مزار را

(بیگانه مثل معنی، ص ۱۴۹)

تمثیل در اشعار سبک هندی به ویژه در

مصراع اول معادل فعل دیگر در مصراع دوم خواهد شد.

(دنیا، آتش) / (اهل دنیا، آتش پرست) / (ترحم نمی‌کند، امان نمی‌دهد)

دنیا به اهل خویش ترحم نمی‌کند

آتش امان نمی‌دهد آتش پرست را

(بیگانه مثل معنی، ص ۱۴۷)

اثبات ضد، نکته‌ای است که ذکر آن در این جا اهمیت دارد و منظور از آن

۱. ابومحبوب، احمد، در تمثیل و ارسال متل، مجله‌ی رشد ادب فارسی، سال هشتم، شماره‌ی مسلسل ۳۲، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش، تهران، بهار ۷۲
۲. احمد سلطانی، منیره، قصیده‌ی فنی، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۰
۳. الماسی، مهدی، هفت شهر عشق، چاپ اول، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی (انتشارات مدرسه)، ۱۳۷۱
۴. ثروتیان، بهروز، بیان در شعر فارسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات برگ، ۱۳۷۸
۵. شعار، جعفر و مؤتمن، گزیده‌ی اشعار صائب تبریزی، چاپ دوم، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۰
۶. حقوقی، محمد، ادبیات امروز ایران (۲)، چاپ پنجم، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۳
۷. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۷۵
۸. دریاگشت، محمدرسول، صائب و سبک هندی در گستره‌ی تحقیقات ادبی، چاپ اول، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۱
۹. شفیعی کدکنی، محمدرضا، شاعر آینه‌ها، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۶۶
۱۰. شمیسا، سیروس، بیان، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۰
۱۱. _____، سبک‌شناسی شعر، چاپ اول، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۴
۱۲. _____، سیر غزل در شعر فارسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۶۹
۱۳. _____، منطق الطیر، چاپ پنجم، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۰
۱۴. صالح رامسری، محمدقاسم (لیما)، نمونه‌ی اشعار رودکی (شاهکارهای ادبیات فارسی)، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹
۱۵. قهرمان، محمد، برگزیده‌ی اشعار صائب و دیگر شعرای معروف سبک هندی، چاپ دوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۱
۱۶. محمدی، محمدحسین، بیگانه مثل معنی، چاپ اول، تهران، انتشارات میترا، ۱۳۷۴
۱۷. کریمی، امیربانو، دوپست و یک غزل صائب، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۹
۱۸. مؤلفان (گروه نویسندگان)، شرح زندگانی شاعران بزرگ (جلد سوم)، چاپ اول، تهران، انتشارات تیرگان، ۱۳۸۲
۱۹. منصور، جهانگیر، دیوان صائب تبریزی (۱) و (۲)، چاپ دوم، تهران، سیما دانش، ۱۳۷۸

هندی حالت دیداری - شنیداری هم پیدا می‌کند.

پشه با شب زنده‌داری خون مردم می‌خورد
زینهار از زاهد شب زنده‌دار اندیشه کن

(دیوان صائب، ص ۱۲۳۶)

مصراع اول بیت فوق جنبه‌ی تصویری و دیداری دارد و برای دریافت مصراع دوم (شنیداری) می‌تواند نوعی برابری و معادله باشد.

مهر خاموشی حصاری شد ز کج بختان مرا
ماهی لب بسته را اندیشه از قلاب نیست

(دیوان صائب، ص ۴۹۷)

در پایان می‌توان افزود که در تمثیل سبک هندی، مشابه و مشابه به آن عمدتاً در یک بیت ظاهر می‌شود و دو مصراع هر بیت در حکم دو کفه‌ی یک ترازوست. بنابراین ایجاد تعادل بین «پیش مصرع» و «مصرع برجسته» کاملاً ضروری است و اگر جز این باشد به معنای خروج از محدوده‌ی تمثیل است.

شود خوش وقت دل، چون نفس بر شیطان ظفر یابد
(مشبه)

چو سگ بر گرگ غالب شد شبان بر خویش می‌بالد
(مشبه به)

(گزیده‌ی اشعار، ص ۱۴۰)

دل (= شبان) / نفس (= سگ) / شیطان (= گرگ)

پیروزی نفس بر شیطان موجب خوش وقتی دل می‌شود، مثل این که اگر سگ بر گرگ غالب شود، شبان به خود می‌بالد.

جوان گردد کهن سال از وصال نازک اندامان
(مشبه)

کشد در بر چو ناوک را کمان، بر خویش می‌بالد (مشبه به)

(گزیده‌ی اشعار، ص ۱۴۰)

کهن سال (= کمان) / نازک اندامان (= ناوک)

پیوند برقرار می‌کند. این پیوند و تناسب یا از راه ایهام تناسب به وجود می‌آید و یا از راه تداعی (مجاورت، شباهت و تضاد) و یا به شکل های دیگر.

تمثیل + ایهام تناسب: نخ تمثیل

تمثیل + تداعی معانی: نخ تمثیل

- مو در موشکافان و شانه:

موشکافان زود در دل‌ها تصرف می‌کنند

شانه در زلف پریشان جای خود و می‌کند

- خاک در خاکساران با سفال:

نیست عیش خاکساران را به شاهان نسبتی

در سفال تازه رو، لطفی دگر می‌دارد آب

(بیگانه مثل معنی، ص ۱۵۸)

تمثیل حکم نوعی استدلال را دارد که در پذیرش مطلب ادعا شده ذهن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و ضمناً تلاشی است برای عینیت بخشیدن به مطالب ذهنی. فهم موضوع انتزاعی و عقلی مشکل است. از این رو شاعر با ارائه‌ی تمثیل، موضوع عقلی و ذهنی را برای خواننده‌ی شعرش محسوس و عینی می‌کند. حال اگر بیتی بدون کمک تمثیل موضوع پیچیده‌ی ذهنی را مطرح کند، طبعاً دریافت مفهوم آن دشوار خواهد شد. در بیت زیر می‌بینیم که تمثیل تا چه اندازه در عینیت بخشیدن موضوع یاریگر است.

سبک رو جای خود و می‌کند در سنگ اگر
باشد

چو آب افتاد در ره جویباری می‌شود پیدا

(دیوان صائب، ص ۱۶)

می‌دانیم سبک هندی با نازک اندیشی، خیال پر دازی، مضمون یابی و مسائلی از این دست همراه است. این عوامل به خصوص در قالب «تمثیل» خواننده را وامی‌دارد که برای دریافت معنی و مفهوم شعر ذهنش را بیش از پیش به کار اندازد و مورد دیرپای و انتزاعی را در چنین روشی بهتر دریابد. از این رهگذر تمثیل سبک